

## جنگ جهانی دوم و جهان پس از آن

حدود ۲۱ سال پس از پایان جنگ جهانی اول، بار دیگر جهان گرفتار جنگی شد که مرگبارترین و ویرانگرترین حادثه تاریخ بشر شناخته می‌شود. شما در این درس زمینه‌ها، عوامل، آثار و پیامدهای مختلف این جنگ و مهم‌ترین تحولات سیاسی جهان پس از آن را بررسی و تجزیه و تحلیل خواهید کرد.

### فعالیت ۱

#### بحث و گفت‌وگو

با راهنمایی دبیر درباره این موضوع گفت‌وگو کنید که چرا تجربه تلخ جنگ جهانی اول، مانع بروز جنگ جهانی دوم نشد. پیشنهادهای شما برای گسترش و استحکام صلح و دوستی جهانی و جلوگیری از جنگ و ویرانی چیست؟

### جهان در فاصله دو جنگ بزرگ

در فاصله میان دو جنگ، جهان و به‌ویژه کشورهای اروپایی گرفتار مسائل و مشکلات بزرگی شدند که زمینه را برای جنگ جهانی دوم فراهم آورد. مهم‌ترین این مسائل و مشکلات، صلح ناپایدار و ناخشنودی از قراردادهای صلح ورسای، ضعف جامعه ملل، بحران اقتصادی و ظهور حکومت‌های خودکامه تک‌حزبی و نظامی‌گرا بود.

#### صلح ناپایدار

پس از پایان جنگ جهانی اول و امضای معاهده ورسای چنین به نظر می‌رسید که اروپا و سایر نقاط دنیا در حال ورود به عصری از ثبات، صلح و آرامش بین‌المللی هستند. اما با گذشت زمان همه چیز تغییر کرد. قرارداد صلح به هیچ‌عنوان داوطلبانه و اختیاری نبود، بلکه قراردادی میان کشورهای شکست خورده و کشورهای پیروز بود که طی آن طرف شکست خورده برای فرار از نابودی و به اجبار، آنچه طرف پیروز می‌گفت را پذیرفت. دولت‌های پیروز (متفقین) که هریک به نوبه خود در ایجاد جنگ مقصر بودند، تمام تقصیرها را متوجه آلمان نموده و با تشبیه این کشور به روش‌های مختلف، زمینه‌های نارضایتی و بروز جنگ‌های بعدی را فراهم آوردند.

#### ضعف جامعه ملل

جامعه ملل که برای کمک به حل و فصل اختلافات کشورها و جلوگیری از دشمنی و جنگ میان دولت‌ها به وجود آمده بود، فاقد قدرت کافی برای تحقق این هدف بود و تصمیماتش ضمانت اجرایی لازم را نداشت. حضور نداشتن برخی از کشورها در این نهاد بین‌المللی نقش مهمی در ناکامی آن داشت. آمریکا که خود پیشنهاد تأسیس جامعه ملل را داده بود، به عضویت آن درنیامد. خروج ژاپن، آلمان و ایتالیا و نیز اخراج شوروی از جامعه ملل، موجب بی‌اعتباری بیشتر این نهاد بین‌المللی شد. به همین سبب بود که جامعه ملل در فاصله میان دو جنگ در مقابل تهاجم نظامی برخی دولت‌ها به کشورهای دیگر، اقدام بازدارنده و مؤثری نتوانست انجام دهد.

## بحران اقتصادی

یکی از مسائل مهم جهان و به خصوص اروپا در دوران پس از جنگ جهانی اول، بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ و ایجاد رونق و رفاه اقتصادی بود. برخی از کشورها، مانند انگلستان، به اتکای منابع خود و ثروت مستعمراتشان تا حدودی از عهده این کار برآمدند اما بسیاری دیگر با مشکلات شدیدی مانند رکود و تورم روبه‌رو شدند. آلمان از جمله کشورهایی بود که در نخستین سال‌های پس از جنگ جهانی اول شرایط اقتصادی وخیمی داشت؛ زیرا علاوه بر خرابی‌های حاصل از جنگ، مستعمراتش را از دست داده و محکوم به پرداخت غرامت‌های سنگین شده بود.



در سال ۱۹۲۳، ارزش مارک آلمان به اندازه‌ای سقوط کرد که از اسکناس به جای سوخت، به‌عنوان کاغذ دیواری و برای پر کردن تشک استفاده می‌شد.

ایالات متحده که اقتصادش در جنگ کمتر آسیب دیده بود، اقدام به اعطای وام به دیگر کشورها، از جمله آلمان، کرد اما ناگهان خود گرفتار بحران و رکود اقتصادی عظیمی شد (۱۹۲۹-۱۹۳۲م) که در پی آن، اقتصاد جهان نیز به هم ریخت و مشکلات فراوانی به‌وجود آمد. مسائل و مشکلات اقتصادی تأثیر بسزایی در روی کار آمدن حکومت‌های دیکتاتوری، به خصوص در اروپا داشت.

## ظهور حکومت‌های خودکامه تک‌حزبی و نظامی

پس از پایان جنگ جهانی اول، امید به استقرار نظام‌های آزاد و دموکرات در اروپا و سایر نقاط جهان چندان دوام نیاورد و رژیم‌های دیکتاتوری یکی پس از دیگری سر برآوردند.

### ۱- شوروی استالینی

پس از مرگ لنین (۱۹۲۴م)، ژوزف استالین<sup>۱</sup>، دبیرکل حزب کمونیست، رقیب قدرتمند خود را از سر راه برداشت و قدرت را در شوروی به دست گرفت. استالین با تحکیم موقعیت سیاسی خود، قدم در مسیر دیکتاتوری گذاشت. او عده زیادی از بلشویک‌های قدیمی، اندیشمندان، افسران ارتش، اعضای حزب کمونیست، دیپلمات‌ها و مردم عادی را که در برابرش مقاومت و مخالفت می‌کردند، به مرگ محکوم کرد و یا به اردوگاه‌های کار اجباری در سیبری فرستاد که هیچ‌گاه از آنجا باز نگشتند.

حکومت استالین با ادامه برنامه‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی که از زمان لنین آغاز شده بود و اجرای برنامه‌های جدید، تغییر و تحول چشمگیری در شوروی ایجاد کرد. یکی از این برنامه‌ها، طرح اشتراکی کردن مزارع کشاورزی بود که با اعمال قدرت و خشونت بسیار ادامه یافت. علاوه بر این، برنامه‌ای را با هدف صنعتی کردن سریع کشور به اجرا درآورد. اساس برنامه صنعتی استالین، بر تولید کالاهای سرمایه‌ای و سلاح‌های جنگی استوار بود. با اجرای این برنامه، تولید ماشین‌آلات صنعتی، نفت، برق، فولاد و زغال سنگ به طرز فوق‌العاده‌ای افزایش یافت.

## فعالیت ۲

### برداشت و قضاوت

برداشت و قضاوت خود را از این جمله بیان کنید: «حمام خونی که استالین... به راه انداخت، جذابیت همان چیزی را از بین برد که اکثر متفکران آن را به نام تمدن نوین تحسین می‌کردند.» (فوگل، تمدن مغرب‌زمین، ج ۲، ص ۱۲۲۲).



حکومت استالین در عرصه خارجی به دنبال گسترش مرزها و تسلط بر برخی کشورها و سرزمین‌های اروپای شرقی بود. با وجود بی‌اعتمادی و دشمنی‌ای که میان شوروی و آلمان وجود داشت، دو کشور با یکدیگر پیمان عدم تجاوز امضا کردند (۱۹۳۹م).

### ۲- به قدرت رسیدن فاشیست‌ها در ایتالیا

کشور ایتالیا در سال‌های پس از جنگ جهانی اول با مشکلات مختلفی چون تورم، بیکاری، اعتصاب و ناآرامی‌های کارگری روبه‌رو شد. چون حکومت پادشاهی مشروطه ایتالیا نمی‌توانست مشکلات را حل و فصل کند، روزنامه‌نگار و سیاستمداری به نام بنیتو موسولینی، که رهبر حزب کوچکی موسوم به «فاشیست» بود، از فرصت استفاده کرد و قدرت را در آن کشور به دست گرفت. فاشیست‌ها یک گروه ملی‌گرای افراطی بودند که می‌خواستند دولت تک‌حزبی قدرتمند و متمرکزی در ایتالیا ایجاد کنند. پادشاه ایتالیا به تشویق صاحبان صنایع، زمین‌داران و نظامیان، که خواستار ایجاد دولتی مقتدر بودند، موسولینی را به نخست‌وزیری منصوب کرد (۱۹۲۲م). موسولینی پس از پیروزی در انتخابات مجلس که در فضایی آکنده از زور، ارعاب و تقلب برگزار شد، در مدت کوتاهی با از بین بردن احزاب رقیب، قدرت را یکپارچه کرد. او نیز همچون سایر دیکتاتورها به کمک وسایل ارتباط جمعی و شگردهای تبلیغاتی گوناگون، مردم را تحت نظارت و مراقبت کامل حکومت درآورده بود و با استفاده از یک سازمان امنیتی و پلیسی، معترضان و مخالفان را سرکوب می‌کرد.



موسولینی هنگام سخنرانی در میان هواداران پرشور خود- ونیز ۱۹۳۳ م

موسولینی تا حدود زیادی به وعده‌های خویش درباره کاهش بیکاری و تورم و پایان دادن به اعتصاب‌ها عمل کرد. از این رو، تا زمانی که ایتالیا درگیر جنگ جهانی دوم نشده بود، بسیاری از مردم این کشور شیفته وی بودند و از اینکه با رهبری او کشورشان در ردیف قدرت‌های بزرگ قرار گرفته است، به خود می‌بالیدند. در بُعد روابط خارجی، موسولینی سودای احیای دوباره امپراتوری روم باستان و تسلط بر دریای مدیترانه و شمال آفریقا را در سر می‌پروراند. تجاوز نظامی این کشور به اتیوپی (۱۹۳۵م) در آفریقا با تکیه بر همین تفکر صورت گرفت.

### ۳- ظهور هیتلر در آلمان

پس از شکست آلمان در جنگ جهانی اول و پناهنده شدن امپراتور وقت آلمان به هلند، حکومتی جمهوری در این کشور بر سر کار آمد. بسیاری از آلمانی‌ها از این حکومت به سبب امضای پیمان تحقیرآمیز ورسای و گسترش رکود و بیکاری ناخشنود بودند. در چنین شرایطی، هیتلر (۱۸۸۹-۱۹۴۵م) که رهبری حزب نازی<sup>۱</sup> را در اختیار داشت و با شور و حرارت بسیار، مشکلات آلمان را به همراه راه‌حل‌های آن توضیح می‌داد و بر لغو پیمان ورسای و تجدید غرور و اقتدار ملی تأکید می‌کرد. نازی‌ها همچون فاشیست‌ها، ملی‌گرایانی افراطی و نژادپرست بودند و یکی از شعارهای آنان که تأثیر زیادی بر آلمانی‌ها گذاشت، شعار «آلمان، بیدار شو» بود. پس از موفقیت نازی‌ها در انتخابات مجلس، هیتلر با حمایت صاحبان صنایع، اشراف زمین‌دار، افسران ارتش و برخی کانون‌های سری، صدراعظم آلمان شد (۱۹۳۳م). او سپس با قبضه کامل قدرت، نظام دیکتاتوری تک‌حزبی را در کشور برقرار کرد و خود را پیشوا خواند. در این زمان، تمام حزب‌های سیاسی به جز حزب نازی منحل و نیروی پلیس و سازمان‌های دولتی از افراد غیر نازی پاک‌سازی شدند. همچنین، مسئولیت تأمین امنیت داخلی به عهده سازمان پلیس مخفی مخوفی موسوم به «گشتاپو» گذاشته شد و اردوگاه‌های کار اجباری برای مخالفان بر پا گردید.

۱- حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان که اصطلاحاً حزب نازی نامیده می‌شد.



هیتلر و اعضای حزب نازی - دسامبر ۱۹۳۰



رژه نازی‌ها - ۱۹۳۵م

هیتلر پس از به دست گرفتن زمام امور، قرارداد ورسای را لغو کرد و برنامه‌های اقتصادی و عمرانی گوناگونی را به اجرا در آورد. ساخت شبکه وسیعی از جاده‌ها و راه‌آهن، ایجاد مؤسسات عمومی و راه‌اندازی کارخانه‌های بزرگ به خصوص صنایع تسلیحاتی از جمله طرح‌های عمرانی و اقتصادی بود که به اجرا درآمد و به بحران رکود و بیکاری در آلمان پایان داد و شرایط تحقیرآمیز آلمان پس از جنگ جهانی اول را تا اندازه زیادی دگرگون کرد. در بُعد نظامی نیز هیتلر به سرعت ارتش و تشکیلات نظامی را گسترش داد و به سلاح‌ها و فناوری‌های پیشرفته جنگی مجهز کرد. در بُعد روابط خارجی، نازی‌ها به رهبری هیتلر علاوه بر بستن پیمان‌های دو و چندجانبه با برخی کشورها، برنامه‌های توسعه طلبانه سرحدی و سرزمینی خود را به پیش بردند. هیتلر عقیده داشت که آلمان برای به دست آوردن فضای حیاتی، باید سرزمین‌هایی را در اروپا فتح کند.

### فعالیت ۳

#### بحث و گفت‌وگو

متن زیر را بخوانید و بیندیشید چرا این اتفاق عجیب رخ می‌دهد:  
 «عجیب نیست و گویا همیشه چنین بوده است - که حقایق تاریخی توسط فاتحین جنگ تعیین و «تاریخ» توسط آنها تفسیر و نوشته شود؛ اما عجیب است - و گویا تاکنون هم این‌طور نبوده - که شکست‌خوردگان جنگ، تاریخی را که این قدر یک‌طرفه نگاشته شده است به راحتی باور می‌کنند، بدون اعتراض می‌پذیرند و به نسل‌های بعد منتقل می‌کنند» (چرنین، شکست تابوها، ص ۱۱).



### تحلیل تاریخی

با دبیر و دوستان خود درباره اینکه چه گروه‌ها یا جریان‌هایی بیشترین سود را از جنگ‌های جهانی اول و دوم به دست آوردند، گفت‌وگو کنید.

### ۴- توسعه طلبی نظامی ژاپن

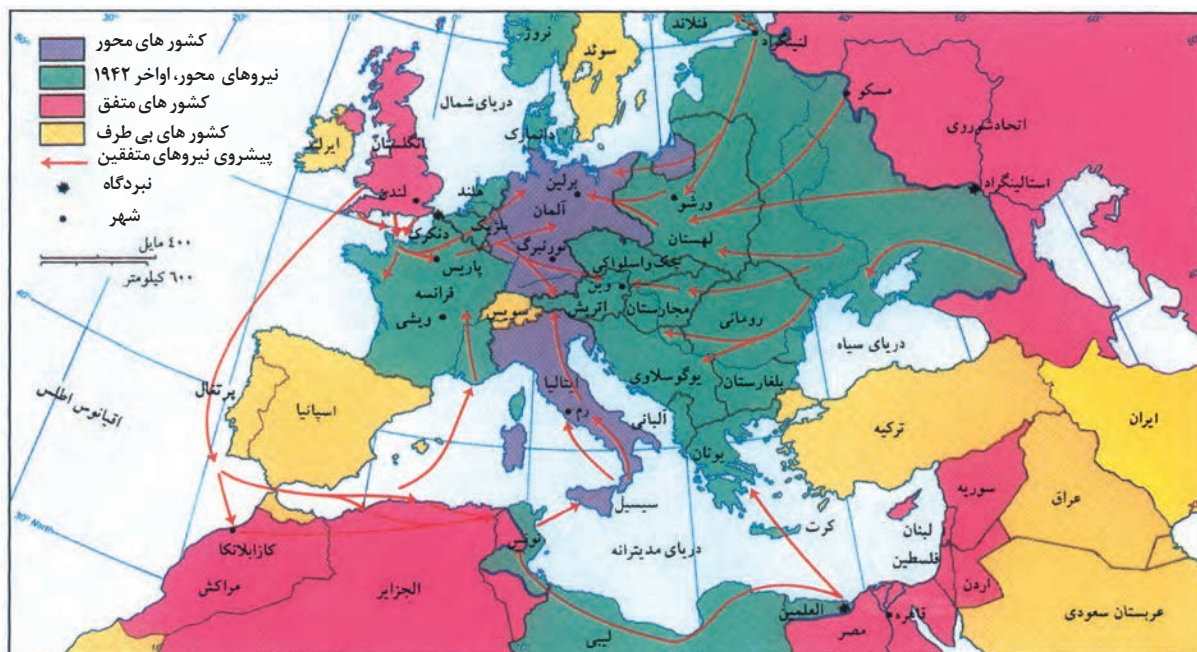
در فاصلهٔ دو جنگ جهانی، نظامیان هدایت سیاست داخلی و خارجی ژاپن را در اختیار گرفتند و این کشور را در جهت اهداف توسعه طلبانهٔ نظامی سوق دادند. آنان همچنین از جامعهٔ ملل خارج شدند و به کشورهای همسایه از جمله چین لشکرکشی کردند و به همراه آلمان و ایتالیا کشورهای محور را شکل دادند.



موتسو هیتو (Mutsuhito)، امپراتور ژاپن (۱۸۶۸-۱۹۱۲م) در دوران انقلاب میجی

در پی اصلاحات موسوم به «انقلاب میجی» در نیمه دوم قرن ۱۹، حکومتی کاملاً مرکزی در ژاپن برپا شد. نخستین اولویت‌ها پس از انقلاب میجی، تغییر وضع ناتوان ژاپن در رویارویی با خطر جهانگشایی غربی و جبران عقب‌ماندگی‌های نظام قبلی بود. اما در پاسخ به این نیاز اساسی، کشورهای غربی را سرمشق قرار دادند و گمان می‌کردند که هیچ ملت آسیایی نمی‌تواند از ریشه‌های اصیل خودش دژی بسازد که بتواند برابر طغیان و تهاجم غرب مقاومت کرده یا با آنها رقابت کند. بدین ترتیب ژاپن اولین گام‌ها را در راه صنعتی شدن برداشت و هم‌زمان شروع به استعمار سرزمین‌های پیرامون خود کرد. متناسب با این تحولات، تغییرات اساسی در بخش نظامی، آموزش و پرورش، مالیات و قانون اساسی نیز، ایجاد شد.

ژاپن در جنگ جهانی اول به اتفاق مثلث پیوسته بود، اما در مقایسه با انگلستان، فرانسه و آلمان زبان عمده‌ای متحمل نشد و اقتصادش در سال‌های پس از جنگ همچنان شکوفا بود. از آنجا که اقتصاد ژاپن وابسته به واردات مواد خام بود، رشد صنعتی این کشور با قدرت نظامی و دریانوردی ارتباط تنگاتنگی داشت.



جنگ جهانی دوم در اروپا و شمال آفریقا؛ ۱۹۴۱-۱۹۴۵

## جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵م)

### شروع جنگ و سال‌های پیروزی دولت‌های محور

انگلستان که سرمست از پیروزی جنگ جهانی اول بود و بیشترین سهم را از تقسیم دنیا میان فاتحان به دست آورده بود، اینک رقبایی نیرومند و تازه نفس مانند آلمان را در مقابل خود می‌دید.

نازی‌ها به رهبری هیتلر که به دنبال گسترش مرزهای خود در اروپا و در مستعمرات بوده و برای رسیدن به آن خود را مجهز کرده بودند، در اول سپتامبر ۱۹۳۹/۱ شهریور ۱۳۱۸ ناگهان به لهستان حمله و نیمه غربی این کشور را تصرف کردند. هیتلر تصمیم نداشت هم‌زمان در دو جبهه شرقی (شوروی) و غربی (فرانسه و انگلستان) بجنگد؛ بنابراین روی به مصالحه با استالین آورد و حتی به ارتش شوروی اجازه داد تا نیمه شرقی لهستان را اشغال کند.

در جبهه غربی؛ بلافاصله بعد از حمله به لهستان، فرانسه و انگلستان به آلمان اعلان جنگ کردند. آلمان محور اتحاد را با ایتالیا و ژاپن تشکیل داد (دولت‌های محور) و با زنجیره‌ای از لشکرکشی‌ها، توانست بر بخش زیادی از غرب اروپا چیره شود. شکست و اشغال فرانسه مهم‌ترین دستاورد ارتش نازی بود. هیتلر بعد از فتح پاریس از انگلیسی‌ها خواست که تسلیم شوند ولی انگلستان که از کمک‌های آمریکا برخوردار بود، جنگ را ادامه داد و نبرد شدیدی در هوا، دریا و زیردریا میان دو کشور شکل گرفت. با وجود آنکه انگلستان خسارات بسیاری را متحمل شد ولی نازی‌ها توانستند وارد این کشور شوند.

نیروهای محور هم‌زمان به شرق اروپا و بالکان هجوم برده و کشورهای آن منطقه را زیر سلطه درآوردند و سپس سرتاسر شمال آفریقا را صحنه جنگ نمودند. حدود دو سال از جنگ سپری شد و دولت‌های محور پیروز میدان بودند؛ اما نیمه دوم جنگ اوضاع به تدریج عوض شد.

## پیروزی متفقین

از ابتدای سال ۱۹۴۱ و علی‌رغم مصالحه با شوروی، سمت و سوی تهاجم آلمان ناگهان از غرب اروپا به سمت شوروی (شرق اروپا) تغییر جهت یافت. قدرت نظامی نیروهای شوروی در حدی نبود که بتواند آلمانی‌ها را شکست دهند؛ پس تصمیم گرفتند که اجازه دهند نیروهای آلمانی وارد مناطق غربی سرزمین‌شان شوند. سربازان شوروی همان‌طور که از غرب روسیه به سمت شرق عقب‌نشینی می‌کردند، در سر راه خود مزارع و آذوقه‌ها را می‌سوزاندند تا دشمن نتواند از آنها استفاده کند. با این اوصاف نبرد به داخل روسیه کشیده شد و آلمان‌ها که نتوانسته بودند تا قبل از زمستان سخت روسیه، به پیروزی برسند، به سبب سرمای شدید و کمبود آذوقه، به شدت ضعیف شده و ادامه نبرد برایشان مشکل شد. در این فاصله نیروهای انگلستان و آمریکا به کمک شوروی آمدند.

در جریان نبرد هوایی در سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱م هواپیماهای آلمانی بارها شهر لندن را بمباران کردند و خسارت‌های فراوانی به این شهر وارد آوردند.







بمباران شهر درسدن آلمان توسط متفقین

ایالات متحده آمریکا در طول جنگ به انگلستان و فرانسه کمک‌های مالی، تجهیزاتی و تدارکاتی می‌کرد، ولی حضور رسمی در جنگ نداشت. اما با ادعای حمله ژاپنی‌ها به ناوگان آمریکا در اقیانوس آرام، این کشور رسماً به متفقین پیوست و با ارتش ژاپن (در اقیانوس آرام و شرق آسیا) و ارتش آلمان و ایتالیا (در غرب اروپا و آفریقا) مستقیماً وارد جنگ شد. ورود ارتش آمریکا توان متفقین را دوچندان کرد و به موفقیت‌های بی‌دری دست یافتند. سرانجام نیروهای ژاپنی در سال ۱۹۴۲ م شکست سختی خوردند و در سال ۱۹۴۳ م ایتالیا به زانو درآمد. در سال بعد نیروهای متفقین در خاک فرانسه پیاده شدند و این کشور را آزاد کردند و سپس از سمت غرب وارد خاک آلمان شدند.

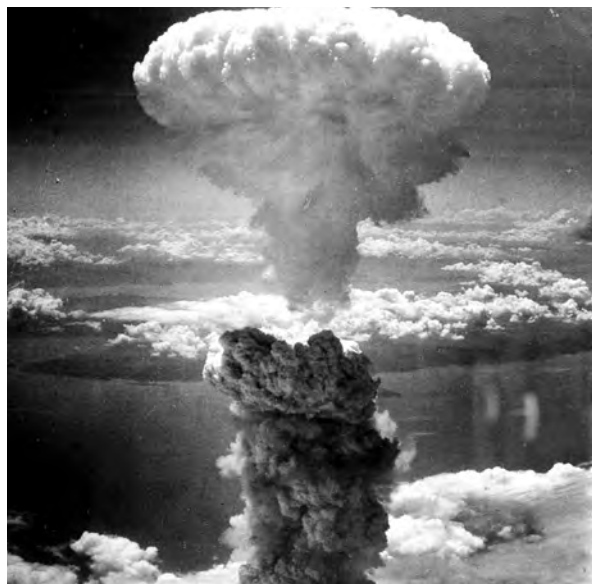


مردم لنینگراد هنگام ترک خانه و کاشانه خود در جنگ جهانی دوم

## پایان جنگ

با ورود نیروهای متفقین به برلین، هیتلر خودکشی کرد. ارتش شوروی بخش شرقی و نیروهای انگلیسی و آمریکایی قسمت غربی آلمان را به اشغال خود در آوردند (مه ۱۹۴۵). نیروهای متفقین تعدادی از فرماندهان و سران حکومت نازی را نیز دستگیر و سپس در دادگاه نورنبرگ به عنوان جنایتکار جنگی محاکمه و مجازات کردند.

پس از به زانو درآمدن نازی‌ها، جنگ با ژاپن ادامه یافت. در حالی که نشانه‌های شکست و تسلیم شدن ژاپنی‌ها آشکار شده بود، دولت آمریکا دو شهر هیروشیما و ناگاساکی ژاپن را برای اولین بار در تاریخ، با بمب‌های اتمی ویران کرد (اوت ۱۹۴۵). تا سی روز بعد از انفجار بمب، مردم به طور اسرارآمیزی جان خود را از دست می‌دادند. دولت ژاپن ۳۷۰ هزار نفر «قربانی بمب اتم» را تا سال ۱۹۸۰م ثبت کرده است.<sup>۱</sup>



بمباران اتمی ژاپن توسط آمریکا

۱- این رقم بسیار کمتر از تعداد واقعی قربانیان است؛ زیرا شرط ثبت رسمی با این نام، داشتن دو شاهد غیرخویشاوند بود که برای بسیاری از قربانیان غیرممکن بود.

## آثار و نتایج جنگ

با سقوط برلین و اعلام تسلیم از سوی ژاپن، جنگ جهانی دوم به طور رسمی خاتمه یافت. جنگ جهانی دوم مهلک‌ترین و مخرب‌ترین رویداد در تاریخ بشر است که در آن حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر کشته شدند. پس از این رویداد، متفکران زیادی از سراسر دنیا در مباحثی و همچنین کارآمدی تمدن غرب مدرن برای ساختن دنیایی بهتر تجدید نظر کردند. تلفات روسیه و آلمان در این جنگ بیش از سایر کشورها بود. بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیایی و آفریقایی که درگیر جنگ شده بودند، کما بیش صدمه دیدند و آسیب‌های اقتصادی فراوانی به آنها رسید. گرسنگی، بیماری‌های مسری، آوارگی و اختلال‌های روحی و روانی نیز از دیگر مصیبت‌های ناشی از جنگ بود که بسیاری از مردم جهان را به شدت آزار داد. آمریکا پس از این جنگ مؤسسات و سازمان‌های بین‌المللی متعددی را در بخش‌های مختلف (مانند روابط بین‌الملل، امنیت و اقتصاد) تأسیس یا تقویت کرد تا از نظم نوینی که بر جهان حاکم شده بود، محافظت کنند.<sup>۱</sup> ظهور انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹) اولین ضربه کاری به نظم جدید آمریکایی در جهان است.

### فعالیت ۵

#### تفکر و اظهار نظر

دیدگاه یکی از مورخان معاصر درباره آثار و پیامدهای فکری و فرهنگی جنگ جهانی دوم را بخوانید و نظر خود را درباره آن در کلاس بیان کنید: «مهیبت‌ترین بصیرت و آگاهی حاصل از این پدیده این بود که اکنون بشر قدرت انهدام کامل خود را به دست آورده است» (آدلر، **تمدن‌های عالم**، ج ۲، ص ۷۶۶).

## ایران در جنگ



نظامیان شوروی در ایران - قزوین - جنگ جهانی دوم

وقتی جنگ جهانی دوم در گرفت، دولت ایران اعلام بی‌طرفی کرد. در آن زمان، کشور ما روابط بازرگانی گسترده‌ای با آلمان داشت و تعداد زیادی از کارشناسان (تکنسین‌های) آلمانی در ایران مشغول کار بودند. تلاش‌های انگلستان برای جلوگیری از دادوستد آلمان با کشورهای بی‌طرف، اعتراض حکومت رضاشاه را برانگیخت و باعث شد که ایران از طریق شوروی به تجارت با آلمان ادامه دهد.

با حمله هیتلر به شوروی (ژوئن ۱۹۴۱ / تیر ۱۳۲۰) معادله جهانی به زیان ایران به هم خورد و یک‌بار دیگر، شوروی و انگلستان علیه میهن ما متحد شدند. در پی هجوم ارتش نازی به خاک شوروی، حفاظت از منابع نفت باکو برای روس‌ها و منابع نفت جنوب ایران برای انگلیسی‌ها اهمیت حیاتی یافت. از سوی دیگر، خاک ایران مناسب‌ترین مسیر برای رساندن کمک‌های تسلیحاتی و تدارکاتی متفقین به نیروهای شوروی بود. بنابراین، در حالی که ارتش آلمان در خاک شوروی به سوی ایران پیشروی می‌کرد، دولت‌های شوروی و انگلستان از حکومت ایران خواستند که آلمانی‌ها را اخراج کند و به اقدامات

۱- سازمان ملل، از جمله سازمان‌های تأسیس شده پس از جنگ جهانی دوم است که در سال ۱۹۴۵ در شهر سان‌فرانسیسکو آمریکا و به منظور تأمین اهداف بیان شده، به طور رسمی تأسیس شد.





نیروهای انگلیسی در ایران - جنگ جهانی دوم

خصمانه علیه هیتلر دست بزند. به بهانه حضور نیروهای آلمانی در ایران، نیروهای شوروی و انگلستان در شهریور ۱۳۲۰ (۱۹۴۱) از شمال و جنوب به ایران هجوم آوردند. ارتش ایران مقاومت چندانی نکرد و تنها درگیری مختصری به‌ویژه میان یگان‌های نیروی دریایی ایران با قوای متفقین رخ داد. در جریان درگیری میان واحدهای نیروی دریایی ایران با نیروهای متجاوز انگلیسی در آبادان و خرمشهر، درباردار غلامعلی بایندر فرمانده این نیرو و جمعی از هم‌زمانش به شهادت رسیدند.

ایران پُلی برای پیروزی متفقین در جنگ بود و بدون استفاده از ظرفیت ایران، سرنوشت جنگ تغییر می‌کرد. پس از اشغال ایران توسط نیروهای متفقین، رضاشاه به فرمان انگلیسی‌ها و به سرعت، استعفایش از سلطنت را نوشت و به جزیرهٔ موریس در جنوب غربی اقیانوس هند تبعید گردید.

## جهان پس از جنگ جهانی دوم

بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی دوم، بر پایهٔ توافق‌هایی که از پیش میان سران متفقین (آمریکا، انگلستان و شوروی) صورت گرفته بود، شوروی تسلط سیاسی - نظامی خود را بر اروپای شرقی اعمال کرد. آلمان نیز به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد؛ روس‌ها نیمهٔ شرقی و سایر دولت‌های متفق نیمهٔ غربی آن را تحت سلطهٔ خود گرفتند. بازماندگان جنگ مانند آلمان و ژاپن از داشتن نیروی نظامی مقتدر و مستقل محروم ماندند و اقتصاد و فرهنگ آنها نیز تحت نفوذ فاتحان جنگ قرار گرفت تا امروز نیز، در بسیاری از بخش‌ها، این نفوذ و اعمال نظر همچنان ادامه دارد.

### عصر جنگ سرد

جلوگیری از گسترش قدرت آلمان و مقابله با متحدین در جنگ باعث همکاری شوروی و آمریکا شده بود. اما با پایان جنگ و از میان رفتن دشمن مشترک، این همکاری تبدیل به بی‌اعتمادی، رقابت و تنش شدید شد. اصطلاح بلوک غرب و بلوک شرق در این شرایط رایج شد. آمریکا و هم‌پیمانانش که دارای نظام سرمایه‌داری بودند، «بلوک غرب» و شوروی و کشورهای اقماری<sup>۱</sup> آن به همراه کشورهای کمیونسیتی بر آنها حاکم بود (مانند چین و کره شمالی)، «بلوک شرق» نامیده می‌شدند. آمریکا و شوروی، که دو ایدئولوژی مختلف برای اداره جامعه ارائه می‌دادند، در زمینه‌های مختلف علمی، صنعتی، توسعه تکنولوژی، تجهیزات نظامی، فناوری جاسوسی و حتی ورزش و صنعت مُد رقابت تنگاتنگ داشتند. آنها برای جذب متحدین بیشتر به برقراری اتحادها و پیمان‌های سیاسی و نظامی مانند ناتو<sup>۲</sup> و وِرشو<sup>۳</sup> دست زدند. بین شوروی و آمریکا هرگز رویارویی

۱- کشورهای اقماری به تعدادی از کشورهای اروپای شرقی گفته می‌شد که شوروی بعد از جنگ جهانی دوم بر آنها تسلط یافت و حکومت‌های کمیونسیتی را در آنجا بر سر کار آورد.  
 ۲- سازمان پیمان آتلانتیک شمالی با علامت اختصاری ناتو در اواسط قرن بیستم بین آمریکا و هم‌پیمانانش شکل گرفت. کشورهای امضاکننده این پیمان توافق کردند در صورت حمله به یک یا چند کشور عضو بقیه کشورها درصدد مقابله برآیند. میراث به جای مانده از این پیمان، بر ضد قدرت‌های نوظهور و رقیبای تمدن غربی نیز به کار گرفته شد.  
 ۳- پیمان وِرشو بین شوروی و کشورهای کمیونسیتی اروپای شرقی در شهر وِرشو (پایتخت لهستان) بسته شد. این پیمان در مقابل پیمان ناتو منعقد شد.





دیوار برلین، نماد عصر جنگ سرد و فروریختن آن، نشانه پایان این عصر بود.

نظامی و جنگ مستقیم اتفاق نیفتاد، ولی رقابت و تنش‌های مکرر (مانند ساخت دیوار برلین<sup>۱</sup>) و جنگ‌های نیابتی باعث شد که از این دوران، تحت عنوان جنگ سرد یاد کنند. مشکلات اقتصادی و سیاسی در اتحاد جماهیر شوروی به مرور زمان اعتراضات مردمی را افزایش داد و بلوک غرب نیز با استفاده از دستگاه رسانه‌ای خود به آنها دامن می‌زد. رهبران شوروی سعی کردند تا با انجام اصلاحاتی، این اعتراضات را مهار کنند ولی در نهایت در ۱۹۹۱م این اتحاد فروپاشید و به دنبال آن بلوک شرق از صفحه تاریخ محو شد. خراب شدن دیوار برلین نماد این فروپاشی است.

## بیشتر بدانیم

### کمونیسم در برابر لیبرالیسم

سرمداران بلوک شرق معتقد بودند که کمونیسم راه حل تمام مشکلات بشر را یافته است و می‌تواند انسان را در روی زمین به سعادت برساند. در مقابل، گردانندگان بلوک غرب مدعی بودند که مکتب لیبرالیسم و نظام سرمایه‌داری منعکس‌کننده گرایش‌ها و تمایلات منطقی تمام کسانی است که درست فکر می‌کنند.

## بازسازی و رونق اقتصادی اروپا

جنگ بخش وسیعی از اروپا و اقتصاد آن را ویران کرد، اما کشورهای اروپایی برای بازسازی کشورهای خود به پا خاستند و با کار سخت و برنامه‌ریزی‌های مختلف، تحولات جدی را در کشورهای خود رقم زدند، به حدی که برخی از آنها امروزه در زمینه اداره امور دنیای خود، از فاتحان جنگ نیز بالاتر رفته‌اند. در این مسابقه علمی و بازسازی جدی که سرعت تحولات آن به هیچ کشوری که رؤیای پیشرفت و آبادانی و استقلال و اقتدار دارد، مجال توقف نمی‌داد، ایران با حکومت گوش به فرمان بیگانه در زمان پهلوی دوم، نه به اندازه سی سال، که چندین برابر آن از حرکت پرشتاب دنیا در بخش‌های گوناگون عقب ماند.

۱- آلمان و پایتخت آن برلین، بعد از جنگ جهانی دوم بین متفقین تقسیم شد و قسمت شرقی آن به دست شوروی افتاد و قسمت غربی آن تحت حاکمیت کشورهای بلوک غرب درآمد. در سال ۱۹۶۱ و با اوج‌گیری جنگ سرد، شوروی اقدام به کشیدن دیوار بین دو قسمت غربی و شرقی برلین کرد تا مانع از مهاجرت مردم و معترضان به نظام کمونیستی از بخش شرقی به بخش غربی شهر شود.



توکیو، قلب مراکز مالی و اقتصادی ژاپن

## تحولات شرق آسیا

ژاپن، صنعتی‌ترین کشور آسیا، پس از شکست در جنگ جهانی دوم به اشغال آمریکا درآمد. قانون اساسی جدید آن کشور، دموکراسی را تقویت و قدرت سیاسی را از اختیار امپراتور و فرماندهان نظامی خارج کرد و به نمایندگان منتخب ملت سپرد. ژاپنی‌ها نیز با سخت‌کوشی و برنامه‌ریزی دقیق خیلی زود، به موفق‌ترین قدرت پیشرو اقتصادی در جهان تبدیل

شدند. تولید صنعتی این کشور در سال ۱۹۵۳م به میزان تولید سال‌های آغازین جنگ جهانی دوم رسید<sup>۱</sup>.

یکی از تحولات مهم جهان پس از جنگ جهانی دوم، به قدرت رسیدن کمونیست‌ها در چین بود. پس از شکست و تسلیم ژاپن، جنگ داخلی در چین میان ملی‌گرایان و کمونیست‌ها شدت گرفت. در این میان، آمریکا از ملی‌گرایان و شوروی از کمونیست‌ها پشتیبانی می‌کردند. سرانجام، کمونیست‌ها به رهبری مائو بر ملی‌گراها پیروز شدند و جمهوری خلق چین را تأسیس کردند. حکومت و حزب کمونیست چین با وجود داشتن رابطه‌ی دوستانه با حکومت و حزب کمونیست شوروی، همواره سیاستی مستقل را دنبال کرده است.

## استقلال طلبی و استعمارزدایی

با پایان گرفتن جنگ جهانی دوم، فریاد استقلال طلبی و مخالفت با استعمار در بسیاری از کشورهای مستعمره بلند شد. در هندوستان حزب کنگره ملی به رهبری مهاتما گاندی با کمک مبارزه‌ی متحدانه‌ی مسلمانان و هندوها، استقلال کامل این کشور را درخواست کرد و انگلستان فرسوده و زخم‌خورده از دو جنگ جهانی، به ناچار تسلیم شد (۱۹۴۷م). علاوه بر آن، جنبش‌های استقلال طلبانه در جنوب شرقی آسیا و قاره‌ی آفریقا عمدتاً به نحو مسالمت‌آمیزی به وقوع پیوستند و در کمتر از یک دهه (۱۹۵۵-۱۹۶۵م) بیش از ۳۰ کشور مستقل آسیایی و آفریقایی از مستعمره‌های اروپاییان سر بر آوردند. البته در الجزایر، دولت فرانسه تلاش کرد با استفاده از نیروی نظامی، جنبش استقلال خواهی را سرکوب کند اما مردم آن کشور پس از سال‌ها مبارزه‌ی سخت، بر استعمار پیروز شدند و به استقلال دست یافتند (۱۹۶۲م).

## کاوش خارج از کلاس

### جنبش غیرمتمدنها

با راهنمایی دبیر و مراجعه به منابعی که به شما معرفی می‌کند، درباره‌ی جنبش عدم تعهد تحقیق کنید و پاسخ پرسش‌های زیر را به کلاس ارائه دهید.

۱- پایه‌گذاران جنبش غیرمتمدنها چه کسانی بودند؟ ۲- هدف از تأسیس جنبش غیرمتمدنها چه بود؟ ۳- در عصر جنگ سرد موقعیت سیاسی این جنبش در جهان چگونه بود؟

## فلسطین

اشغال کشور مسلمان فلسطین و تأسیس رژیم غاصب اسرائیل یکی از مسائل مهم منطقه‌ی خاورمیانه و جهان اسلام در دوره‌ی معاصر است. مهاجرت گروه‌های کوچکی از یهودیان به فلسطین در اوایل دهه‌ی ۱۸۸۰م آغاز شد. انگلستان در سال ۱۹۱۷م با صدور اعلامیه‌ی بالفور<sup>۲</sup>

۱- دان، تاریخ تمدن و فرهنگ جهان، ج ۴، صص ۲۱۶-۲۱۷

۲- بالفور (Balfour) وزیر خارجه وقت انگلستان بود که در نامه‌ای نظر مساعد دولت خود را به تشکیل کشوری یهودی در سرزمین فلسطین اعلام کرد.

نظر مساعد خود را با ایجاد سرزمین یهودی در فلسطین اعلام کرد. در دوران قیمومیت انگلستان بر فلسطین در سال‌های پس از جنگ جهانی اول، یهودیان بیشتری به این کشور مهاجرت کردند و با خرید و تصرف زمین‌های وسیع، بر اقتصاد آنجا مسلط شدند. سازمان ملل (در سال ۱۹۴۸م) با فشار شبکه صهیونیسم<sup>۱</sup> بین‌الملل و حمایت دولت‌های انگلیسی و آمریکا و سکوت بیشتر کشورهای مسلمان، این دولت جعلی را به رسمیت شناخت.

مسئله فلسطین و ظلمی که بر مردم این کشور می‌شود، تنها یک مسئله مربوط به مردم عرب و یا حتی یک مسئله صرفاً اسلامی نیست، بلکه یک مسئله بسیار بااهمیت است. دلایل اهمیت فلسطین را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۱- این سرزمین مهد ادیان الهی و محل زندگی بسیاری از پیامبران بوده و اماکن مقدس بسیاری در آن واقع شده است. از این جهت کانون توجه بسیاری از مردم جهان از جمله مسلمانان، مسیحیان و یهودیان است.



پس از پیروزی حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه به رهبری سید حسن نصرالله و پیروزی مقاومت غزه در جنگ ۲۲ روزه و ۸ روزه، افسانه شکست‌ناپذیری صهیونیست‌ها فرو ریخته است.

۲- کشور فلسطین در محل تقاطع و لولای سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا قرار دارد و راه‌های ارتباطی زمینی این سه قاره از این منطقه می‌گذرد. چنین مناطقی در جهان از اهمیت بالایی برخوردارند.

۳- تشکیل دولت جعلی اسرائیل در این منطقه و در قلب دنیای اسلام، دارای یک هدف بلندمدت استکباری است؛ زیرا ادامه حیات و فعالیت اسرائیل، این تضمین را به صهیونیست‌ها می‌دهد که اگر زمانی دولت اسلامی مقتدری در این منطقه به‌وجود آمد، اسرائیل با آن مقابله کند و بتواند جلوی نفوذ آنها را بگیرد. بنابراین دستیابی صهیونیست‌ها به قلب دنیای اسلام یعنی فلسطین، باعث تداوم سلطه استعمارگران بر دنیای اسلام است.

۴- یکی از مهم‌ترین آبراه‌های جهان از این منطقه عبور می‌کند و ارتباط بین غرب و شرق را فراهم می‌کند (مسیر آبی دریای مدیترانه - دریای سرخ - اقیانوس هند) روزانه کشتی‌های فراوانی در این مسیر در رفت و آمدند و کالاهای مبادله شده بین کشورها از جمله نفت، را جابه‌جا می‌کنند.



## پرسش‌های نمونه

- ۱- عوامل ضعف جامعه ملل و ناتوانی آن را در جلوگیری از جنگ جهانی دوم بیان کنید.
- ۲- ویژگی‌های مشترک دیکتاتورهای استالین، موسولینی و هیتلر را در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فهرست کنید.
- ۳- رویدادهای مهم منتهی به جنگ جهانی دوم و دوران آن جنگ را روی نمودار خط زمان نشان دهید.
- ۴- ارزیابی شما از سیاست حکومت رضاشاه در قبال جنگ جهانی دوم چیست؟ (برای دیدگاه خود استدلال بیاورید.)
- ۵- چه عواملی موجب رشد سریع اقتصادی و صنعتی کشورهای اروپای غربی و ژاپن در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم شد؟

۱- در دنیا یهودیان فراوانی وجود دارند که از صهیونیسم بیزارند. صهیونیسم یک جریان فکری سیاسی متجاوز است که تشکیل دولت اسرائیل را هدف نهایی خود می‌داند و برای رسیدن به آن، هرگونه اقدامی انجام می‌دهد. منظور از صهیونیسم فقط دولت اشغالگر فلسطین نیست، بلکه راه‌اندازی و اداره دولت اسرائیل تنها بخشی از مجموعه فعالیت این گروه است. آنها در واقع سرمایه‌داران بزرگی هستند که در کشورهایی مانند آمریکا نفوذ فراوان دارند و تا حد زیادی بر سیاست آن کشور مسلط‌اند. امروزه حتی برخی سازمان‌های بین‌المللی نیز در زمینه‌های مالی، نظامی، تبلیغاتی و فرهنگی اسیر سیاست‌های توسعه طلبانه صهیونیسم‌اند. قبل از انقلاب اسلامی، رژیم ظالم پهلوی حتی اجازه تفکر درباره مسئله فلسطین را نمی‌داد و نمی‌گذاشت مردم احساس کنند که مسئله فلسطین جزئی از مسئله مسلمانان و انقلاب اسلامی است و به آینده و پیشرفت ایران مرتبط است. امام خمینی برای اولین بار در تاریخ مبارزات عربی و اسلامی و فلسطینی، یک روز را به نام روز قدس و به عنوان نمادی برای مبارزه با صهیونیسم، معین کرد.